

**Examining the Obstacles to the Economic Movement of the New Islamic Civilization
From the Perspective of Ayatollah Khamenei**

Received : 2024/02/01

Accepted : 2024/02/14

Seyed Mohammad Hosseini*

Abolghasem Azimi **

Mohammad Dashti***

(190–220)

Knowing the obstacles to economic movement is one of the requirements for creating a new Islamic civilization. What are these obstacles from Ayatollah Khamenei's point of view is the question of this article. To answer this question, the descriptive, analytical and theoretical framework of "Six Elements of Movement" was used. The findings of the article can be categorized into six sections. 1- Obstacles related to the origin and start of economic movement such as; Economic dependence, single product and state-owned economy. 2- Obstacles related to the topic and content of economic movement such as; Lack of Islamic economic knowledge, unhealthy economy and its negative effects. 3- Obstacles related to the subject and the subject system of economic movement, such as: lack of civilizational motivation and jihadist spirit, and the weak presence of people in the economy. 4- Obstacles related to the distance and environment of economic movement; Such as neglecting the six processes of economic movement, neglecting the road map and ambiguity in the path of economic movement, neglecting the discourse of economic movement 5- Obstacles related to time (opportunities and challenges) of economic movement such as: lack of reasonable knowledge of the past, lack of correct knowledge From the current situation, the lack of understanding of the future. 6- Obstacles related to the destination and purpose of the economic movement such as; Ignoring the structures appropriate to modern Islamic civilization and ignoring the good life realized in Islamic civilization.

Keywords: New Islamic Civilization, Economic Obstacles, Economic Movement, Supreme Leader.

* Associate Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran, hoseini.sm@ut.ac.ir.

** PhD in History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran(corresponding author), azimi8h@gmail.com.

*** Assistant Professor of Islamic History Department, History and Life Complex, Al-Mustafa Al-Alamiya Community, Qom, Iran, dr.dashti400@yahoo.com.



بررسی موانع حرکت اقتصادی

تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۵

سید محمد حسینی^{*۱}

ابوالقاسم عظیمی^{**۲}

محمد دشتی^{***۳}

(۱۹۰-۲۲۰)

چکیده

شناخت موانع حرکت اقتصادی یکی از الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی است. چستی این موانع از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه پرسش این مقاله است. برای پاسخ به این سؤال از روش توصیفی، تحلیلی و چهارچوب نظری «ارکان شش‌گانه حرکت» استفاده شد. یافته‌های مقاله در شش بخش قابل دسته‌بندی است: ۱. موانع مرتبط با مبدأ و شروع حرکت اقتصادی، مانند وابستگی اقتصادی، تک‌محصولی بودن و دولتی بودن اقتصاد؛ ۲. موانع مرتبط با موضوع و محتوای حرکت اقتصادی، مانند نبود دانش اقتصاد اسلامی، اقتصاد ناسالم و اثرات منفی آن؛ ۳. موانع مرتبط با فاعل و نظام فاعلی حرکت اقتصادی، مانند نداشتن انگیزه تمدنی و روحیه جهادی، و حضور کم‌رنگ مردم در اقتصاد؛ ۴. موانع مرتبط با مسافت و محیط حرکت اقتصادی، مانند بی‌توجهی به فرایندهای شش‌گانه حرکت اقتصادی، بی‌توجهی به نقشه راه و ابهام در مسیر حرکت اقتصادی، بی‌توجهی به گفتمان‌سازی حرکت اقتصادی؛ ۵. موانع مرتبط با زمان (فرصت‌ها و چالش‌های) حرکت اقتصادی، مانند نبود شناخت معقول از گذشته، نداشتن شناخت درست از

* . دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، hoseini.sm@ut.ac.ir

** . دانش آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)، azimi8h@gmail.com

*** . استادیار گروه تاریخ اسلام، مجتمع تاریخ و سیره، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، dr.dashti400@yahoo.com

موقعیت کنونی، و فقدان درک آینده‌نگرانه؛ ۶. موانع مرتبط با مقصد و غایت حرکت اقتصادی، مانند بی‌توجهی به ساختارهای متناسب با تمدن نوین اسلامی و بی‌توجهی به حیات طیبۀ تحقق‌یافته در تمدن اسلامی.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، موانع اقتصادی، حرکت اقتصادی، مقام معظم رهبری داماد.

۱. مقدمه

ارتکاز اولیه از تمدن نوین اسلامی تصویری مبتنی بر حیات طیبۀ و متفاوت از نارسایی‌های تمدن‌های مادی است. بدون شک، تحلیل چنین تمدنی در همه ابعاد نیازمند شناختی عمیق از آرمان‌ها و اهداف اسلامی است. تمدن نوین اسلامی هویتی متعالی و سازنده دارد که طبیعتاً عناصر تشکیل‌دهنده این تمدن و الزامات تعیین‌کننده این تمدن نمی‌توانند برخلاف فطرت انسانی و حقایق وحیانی باشند. مهم‌ترین ویژگی تمدن نوین اسلامی آگاهی به فلسفۀ خلقت و شناخت مبدأ و مقصد حقیقی انسان است به تعبیر حضرت علی علیه السلام: «إِنَّ لَمْ تَعْلَمْ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ لَمْ تَعْلَمْ إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ» (مجلسی، ج ۵۳: ۱۷۶)؛ اگر ندانی از کجا آمده‌ای هرگز نخواهی دانست که به کجا می‌روی». در چنین تمدنی اقتصاد چه جایگاهی دارد؟ اقتصاد تمدن نوین اسلامی به مثابه بخشی کاربردی از تمدن نوین اسلامی چگونه باید باشد؟ چگونگی این اقتصاد در گرو روندهای توسعه و پیشرفتی است که حرکت اقتصادی تمدن اسلامی براساس آن‌ها پیش می‌رود. حرکت اقتصادی متناسب با تمدن نوین اسلامی حرکتی آگاهانه است که مبدأ و مقصد این حرکت مشخص است. اهداف و ابزارهای این حرکت نباید برخلاف آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های انسانی باشد.

برای پاسخ به سؤال اصلی مقالۀ پیش‌رو از چهارچوب «حرکت» استفاده شده است. این چهارچوب به صورت چشمگیری امکان تحلیل روندهای اقتصادی موجود و شناخت موانع این روندها را فراهم می‌کند. گردآوری داده‌های مقالۀ از طریق بررسی آثار و اندیشه‌های اقتصادی و تمدنی مقام معظم رهبری داماد صورت گرفته است. پیش از این مقالۀ پژوهش‌هایی به آثار و اندیشه‌های اقتصادی و تمدنی مقام معظم رهبری داماد پرداخته‌اند (پیشینه). برای مشخص شدن جایگاه این مقالۀ و تمایزش با پژوهش‌های پیشین به برخی از

این آثار - که به دو بخش تقسیم می‌شوند - اشاره می‌گردد.

۱. آثار مرتبط با مواضع و اندیشه‌های اقتصادی مقام معظم رهبری، مانند: کتاب «اندیشه‌های اقتصادی مقام معظم رهبری» (مخبر دزفولی، ۱۳۹۳)؛ این کتاب با رجوع به اندیشه‌های اقتصادی مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه به تشریح ارکان اقتصاد در جامعه اسلامی پرداخته و به‌طور خاص موضوعاتی مانند عدالت، توجه به اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله، استقلال اقتصادی، اقتدار اقتصادی، مفاسد اقتصادی، اقتصاد اسلامی، و اقتصاد مقاومتی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. کتاب دیگری که به‌عنوان پیشینه قابل استفاده است کتاب «درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی: تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه اقتصادی رهبر معظم انقلاب» (پیغامی، ۱۳۹۵) است. در این کتاب پس از واکاوی مفهومی اقتصاد مقاومتی، ابعاد و اقتضائات، الزامات نظریه‌پردازی و مواردی مانند مردمی کردن و مدیریت اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. کتاب دیگری با عنوان «اقتصاد مقاومتی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳) با هدف توضیح و تحلیل اقتصاد مقاومتی تدوین شده است. این کتاب بیش از هر چیز بر تاب‌آوری اقتصادی در مقابل دشمن تأکید دارد. مواجهه با تحریم‌ها و تولید ملی از موضوعات اصلی این کتاب است. همچنین کتاب «مطالبات اقتصادی در گفتمان مقام معظم رهبری» (اشیری، ۱۳۹۳) که به‌وسیله مؤسسه فرهنگی هنری شهید آوینی منتشر شده است، پس از پرداختن به مسائل اساسی اقتصاد از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه به مطالبات اقتصادی ایشان در زمینه اقتصاد پرداخته است. کتاب «مدیریت مالی شخصی: سبک تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری» (سیمپاری، ۱۳۹۹) نیز کتابی است که به توضیح فرهنگ اقتصادی در جامعه می‌پردازد و توضیح می‌دهد که افراد، به‌مثابه عنصری تأثیرگذار، چگونه باید مدیریت مالی داشته باشند. کتاب «جهاد اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه» (عیوضی، ۱۳۹۰) پس از بررسی کلیات جهاد اقتصادی، اهداف جهاد اقتصادی، بایدها و نبایدهای جهاد اقتصادی، راهکارها، نتایج و درنهایت آسیب‌های احتمالی جهاد اقتصادی را تبیین کرده است. در کتاب «جهاد اقتصادی: چیستی، اهداف و

الزامات جهاد اقتصادی در بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه (جمعی از محققین، ۱۳۹۵)، چستی جهاد اقتصادی، اهداف، شرایط و شناخت دشمن مورد توجه قرار گرفته است. در همین زمینه می‌توان به کتاب «اقتصاد مقاومتی درآمدهای بر مبنای سیاست‌ها و برنامه عمل» (عبدالمالکی، ۱۳۹۷) اشاره کرد که با رویکردی نظری به تفاوت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد متعارف پرداخته است. کتاب «جهاد اقتصادی» (حیدری تفرشی، ۱۳۹۱) نیز نظریه رشد اقتصادی اسلامی را براساس دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه به بحث گذاشته است. کتاب «افق نویدبخش اقتصاد مقاومتی سیاست‌ها و انتظارات در بیانات مقام معظم رهبری» (عابدی، ۱۳۹۸) مجموعه بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه درخصوص اقتصاد مقاومتی را دسته‌بندی و موضوع‌بندی کرده است.

۲. آثار مرتبط با اندیشه‌های تمدنی مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه، مانند کتاب «کتاب تمدن اسلامی؛ نگاهی اجمالی به بیانات رهبر معظم انقلاب امام‌خامنه‌ای درباره تمدن اسلام» (علیجان‌زاده روشن، ۱۳۹۳)؛ در این کتاب با رویکردی مقایسه‌ای به مبانی و تاریخ تمدن اسلامی اشاره و آسیب‌ها و بحران‌های تمدن غرب به تصویر کشیده شده است. فرایند تشکیل تمدن اسلامی نیز ازجمله مباحث این کتاب است. اثر دیگری که در این زمینه وجود دارد کتاب «تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها» (متولی امامی، ۱۳۹۴) است. این کتاب به ظرفیت تمدنی و جامعیت دین اسلام اشاره دارد که قادر است به نیازهای تمدنی جامعه اسلامی پاسخ دهد و در مقابل ضعف و انحطاط تمدن غرب پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بشری باشد. همچنین کتاب «تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها» (حلبی، ۱۳۹۸) به ادوار تاریخی تمدن اسلامی، بررسی زمینه‌های شکل‌گیری و افول تمدن اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه، آسیب‌ها و موانع شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه، و راهکارهای برون‌رفت از موانع شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه پرداخته است. کتاب «نخبگان و تمدن‌سازی اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱) نیز دیدگاه‌های مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه نسبت به نخبگان و نقش نخبگان در تمدن‌سازی اسلامی را گردآوری کرده است.

تفاوت و تمایز اصلی مقاله پیش رو با پیشینه ذکر شده رویکرد فراتحلیلی مقاله است. به عبارت دیگر، مقاله تلفیقی از گزاره‌های اقتصادی و تمدنی را که در ایجاد و بقای تمدن نوین اسلامی نقش دارند هم‌زمان مورد توجه قرار می‌دهد، به گونه‌ای که نقش ساختارها و کارگزاران را در مقیاس حرکت تمدنی و ایجاد تمدن نوین اسلامی تبیین می‌کند.

۲. ادبیات و چهارچوب نظری

تحلیل‌ها و تجویزهای تمدنی بدون توجه به ماهیت تاریخ و تمدن، قانونمندی تاریخ، عوامل محرک تاریخ و نقش انسان در ایجاد و سقوط تمدن‌ها ممکن نیست. به تعبیر علامه جعفری، تمدن‌ها با عوامل اصلی حیات فردی و اجتماعی در ارتباط هستند. این در حالی است که فرهنگ‌ها لزوماً به عوامل اصلی حیات گره نخورده‌اند. در نتیجه، می‌توان به تعداد اقوام و مللی که از ابتدای تاریخ زیسته‌اند فرهنگ‌های گوناگون را شناسایی کرد. اما این رویکرد نسبت به تمدن صادق نیست؛ زیرا در تاریخ جهان با استناد به پژوهش‌های توین‌بی حدود ۲۱ تمدن شکل گرفته است. البته برخی از تمدن‌پژوهان بین ده و هجده تمدن را ذکر کرده‌اند (جعفری، ۱۴۰۱: ۱۶۹). وجود تعداد محدود تمدن‌ها در تاریخ جهان بیانگر واقعییتی است که نشان می‌دهد شکل‌گیری و ایجاد تمدن نیازمند جریان و حرکت قدرتمند در مقیاس عوامل اصلی حیات فردی و اجتماعی است. علامه جعفری پنج عامل اصلی حیات فردی و اجتماعی تعمیم‌پذیر را برای ایجاد و بقای تمدن برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: ۱. کشف و اجرای مواد حقوقی مبتنی بر عدالت که قادر است شایسته‌ترین زیست اجتماعی انسان تنظیم و هماهنگ کند؛ ۲. پیدا کردن بهترین راه برای مقابله با عوامل مزاحم طبیعی و طغیان‌های انسانی؛ ۳. مدیریت سیاسی منطقی که به سبب آن بهترین شکل افراد و گروه‌های اجتماعی تحقق پیدا می‌کنند؛ ۴. کشف و به‌کارگیری تکنولوژی‌های متنوع برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و مواد طبیعی برای رفع نیازهای انسان و جامعه انسانی؛ ۵. تفسیر و توجیه منطقی برای کارهای فکری و غیرفکری که انسان انجام می‌دهد (جعفری، ۱۴۰۱: ۱۷۰). علامه جعفری با توجه به عناصر مذکور در تعریف تمدن می‌نویسد: «تمدن عبارت است از شکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و

اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت» (جعفری، همان). پدیده اقتصاد از مواردی است که در تمامی عناصر حیاتی و اصلی تمدن نقش دارد. به تعبیر علامه جعفری، «تباهی یا اختلالات اقتصادی می‌توانند عامل نابودی هرگونه تمدنی باشد، اگرچه آن تمدن در اوج شکوفایی باشد... بدیهی است که قوام حیات بشری و میدان تحرک آن را مسائل اقتصادی تشکیل می‌دهد» (جعفری، همان: ۲۲۱). حرکت اقتصادی در مقیاس تمدن از آن جهت اهمیت دارد که: «هیچ تمدنی نمی‌تواند بدون نظم و رفاه اقتصادی صحیح به وجود بیاید، ولی چنین نیست که اگر نظم و رفاه یک جامعه تکمیل شده باشد، حتماً و بالضرورة باید از تمدن به معنای این کلمه برخوردار باشد» (علامه جعفری، همان). در اینجا یک پرسش مهم قابل طرح است که چه نوع اقتصادی و چه حرکت اقتصادی مطلوب تمدن نوین اسلامی است که درعین شکوفایی اقتصادی دیگر ابعاد معرفتی و اخلاقی انسان و جامعه را به تباهی نکشد. و درنهایت، پرسش اصلی مقاله پیش‌رو این است که اقتصاد کنونی جمهوری اسلامی برای رسیدن به حرکت مطلوب تمدنی با چه موانعی مواجه است؟ پاسخ این پرسش از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه‌الله - به عنوان اندیشمندی که ایده تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده است و شناخت بالایی از تحولات جهان معاصر دارند- بررسی می‌شود.

برای تحلیل روشمند موانع حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی از چهارچوب نظری «ارکان شش‌گانه حرکت» استفاده می‌شود. این چهارچوب از جمله قالب‌هایی است که با استفاده از آن امکان بررسی تغییرات و تحولات کلان اجتماعی فراهم است. نظریه حرکت، موضوعی فلسفی است که ذیل بحث قوه و فعل ذکر شده است. برای مفهوم حرکت تعاریفی ذکر شده که معروف‌ترین‌ها عبارت‌اند از: الف) تدریجی بودن وجود و جوهر یا عرض و سیلان آن در امتداد زمان؛ ب) خروج تدریجی شیء از قوه به فعل؛ ج) تعریف منقول از ارسطو، یعنی «کمال اول برای موجود بالقوه از آن جهت که بالقوه است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۸۷ و ۲۸۸). نظریه حرکت این ظرفیت را دارد تا نشان دهد که چگونه حرکت تدریجی یک پدیده از مبدأ به سمت مقصد پیش می‌رود و چه مواردی برای حرکت طبیعی و

منطقی ضرورت دارد. از دیدگاه حکما پدیده‌ها برای حرکت از سمت قوه به‌سوی فعل به شش عامل نیاز دارند؛ برهمین اساس، حرکت را به شش بخش تقسیم می‌کنند که عبارت‌اند از: ۱. ما منه (مبدأ حرکت)، ۲. ما إلیه (غایت)، ۳. ما به (موضوع حرکت)، ۴. ما عنه (فاعل حرکت)، ۵. ما فیه (مقوله، مسافت، قلمروی که حرکت در آن واقع می‌شود)، ۶. ما علیه (زمان حرکت). هر جایی که حرکت باشد تکامل وجود دارد و هر حرکتی خواه‌ناخواه به این اجزا نیازمند است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۵۹ و ۶۰).

بررسی و تحلیل حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی براساس نظریه «ارکان شش‌گانه حرکت» با تبیین معیارها و رئوس اصلی بر مبنای اندیشه مقام معظم رهبری دام‌ظله است که از درک و بینشی مبتنی بر علم، تجربه و تدین نشئت گرفته است و برای جامعه اسلامی ابزار شناخت و سرمایه‌ای ارزشمند و بصیرت‌افزاست. در این پژوهش شکل و ساختار پدیده اقتصاد جمهوری اسلامی به مثابه یک ضرورت برای ایجاد تمدن نوین اسلامی نسبت به عوامل شش‌گانه ترسیم می‌شود و موانعی که در مسیر این حرکت وجود دارد، براساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری دام‌ظله به‌عنوان یافته‌های پژوهش بیان شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. مبدأ و شروع حرکت اقتصادی

همچنان‌که بیان شد، حرکت شش رکن دارد. رکن اول مبدأ حرکت است، که مبدأ حرکت «قوه» است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۲-۱۴). براساس این آیات، خداوند ابتدای حرکت انسان را نطفه بیان فرموده و بعد علقه، مضغه، جنین و سپس انسان؛ بنابراین، آغاز حرکت جوهری قوه محض است. علامه طباطبایی در کتاب نه‌ایة‌الحکمه برای تبیین مبدأ حرکت مثال‌هایی ذکر کرده، مثل حرکت از رنگ خاصی مثل سیاهی به رنگ دیگری مثل سفیدی. در این مثال رنگ سیاهی مبدأ است یا حرکت جسم از اندازه‌ای خاص به اندازه دیگر (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۲۷۴).

در موضوع مقاله، منظور از مبدأ حرکت اقتصادی نقطه شروع و ابتدای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است که اقتصاد جمهوری اسلامی بر آن استوار شده است. قوه و استعداد اقتصادی که در سال ۱۳۵۷ برای جمهوری اسلامی به‌جا مانده بود از ظرفیت کامل برای حرکت و شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی برخوردار نبود. انقلاب اسلامی اقتصادی وابسته و مصرف‌کننده تحویل گرفت. پس از انقلاب نیز این اقتصاد، مطابق با شأن و اهداف جمهوری اسلامی بازسازی و ساختاربندی نشد، بلکه با همان شاکله اصلی -البته با تغییراتی اندک و ناکافی- ادامه پیدا کرد. بنابراین، می‌توان گفت نقطه شروع حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی شروعی موفق و با ظرفیت ایجاد تمدن اسلامی نبوده است و نیازمند بازنگری علمی و عقلانی است. مقام معظم رهبری دامنه‌العلیه بارها و در موارد متعدد این مسئله را متذکر شده‌اند. در این مبحث سه مانع اصلی مبدأ حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی از دیدگاه ایشان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

الف) وابستگی اقتصادی: وابستگی گسترده رژیم پهلوی به کشورهای بیگانه بزرگ‌ترین مانع پیشرفت ایران بود. این وابستگی به‌گونه‌ای بود که فردوست درباره دخالت سفارت‌های خارجی در ایران می‌نویسد: پس از عزل رضاخان سفارت انگلیس به محمدرضاشاه اطلاع می‌دهد که گوش کردن به رادیو برلین و فتوحات و بررسی تصرفات ارتش آلمان مانع از انتصاب وی به‌عنوان شاه ایران خواهد شد که پس از این پیام محمدرضا متعهد می‌شود که رادیو برلین گوش ندهد (فردوست، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۱۰۰-۱۰۳). در نمونه دیگر، زمانی که محمدرضاشاه می‌خواست علی‌امینی را برکنار کند، بدون موافقت آمریکا جرئت نکرد او را عزل کند؛ لذا در فروردین ۱۳۴۱ به آمریکا رفت و با کمک انگلستان آمریکایی‌ها را به برکناری علی‌امینی راضی کرد (امینی، ۱۳۷۷، ۲۰۴-۲۰۷).

به دنبال وابستگی سیاسی -که خطرناک‌ترین نوع وابستگی است- وابستگی اقتصادی و وابستگی فرهنگی هم شکل می‌گیرد و در دوره پهلوی در ایران پس از وابستگی سیاسی به‌اندازه‌ای وابستگی اقتصادی فراگیر شده بود که به‌تعبیر مقام معظم رهبری دامنه‌العلیه انواع و اقسام خوراکی‌ها و محصولات صنعتی وارد می‌شد و اگر صنعتی می‌آمد سرتاپای آن صنعت وابستگی

و نقص بود و سلاح‌های مدرنی مثل هواپیما را که به ما می‌فروختند حتی اجازه تعمیر آن‌ها را نداشتیم و باید در خارج انجام می‌گرفت. از لحاظ اقتصادی صددرصد وابسته بودیم و از لحاظ علمی در حد صفر بودیم و هیچ حرف تازه‌ای در بازار علم و دانش نوی جهانی نداشتیم؛ از لحاظ ثروت ملی غارت‌زده بودیم و ده‌ها هزار روستا در ایران برق و آب تصفیه‌شده را نه دیده بودند و نه امید دیدنش را داشتند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۷/۹).

اقتصاد وابسته، اقتصادی غیرمولد مبتنی بر منافع بیگانگان و مصرف‌کننده کالاهای آنان است. اقتصاد ایران محصول اندیشه کسانی بود که می‌گفتند باید به قدرت حاکم جهانی متکی باشیم؛ چون قوی هستند باید زیر سایه آن‌ها زندگی کنیم. «سران رژیم گذشته ایران... می‌گفتند: آمریکا، یا بعضی از ممالک اروپایی، پولدار، قوی، صاحب‌علم و دارای سلاح‌اند. چرا ما خودمان را از این‌ها جدا کنیم؟! چرا ما دنباله‌روی این قدرت‌ها نباشیم؟!» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۲/۱۳). این‌گونه افراد به این باور و نتیجه غلط رسیده‌اند که دیگران برتری ذاتی دارند و علم و ثروت، پیشرفت و نوآوری و سازندگی از ویژگی‌های بیگانگان است. ازجمله این افراد رزم‌آرا بود که می‌گفت ایرانیان حتی قادر به اداره یک کارخانه سیمان نیستند و ملی کردن صنعت نفت را بزرگ‌ترین خیانت برمی‌شمرد (پژوهش گروهی جامی، ۱۳۷۱: ۵۴۲-۵۴۴).

در تعبیر مقام معظم رهبری دام‌ظله عناوینی مانند «آفت بزرگ» «مادر آفت‌های ملی» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۳/۱۴)، «خفتی بالاتر از وابستگی نیست» (بیانات، ۱۳۷۵/۱/۲۸) و «وابستگی بیچارگی می‌آورد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۷/۲۶)، نشان‌دهنده این است که تلاش برای رفع وابستگی - خاصه در حوزه اقتصاد - یک ضرورت و واجب شرعی است. با پیروزی انقلاب اسلامی این وابستگی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی به میزان خیلی زیادی برطرف شد، اما وابستگی اقتصادی همچنان ادامه دارد؛ به‌گونه‌ای که عرصه اقتصاد مورد طمع دشمنان انقلاب اسلامی قرار گرفته است و به بهانه‌های گوناگون از طریق اقتصاد و تحریم اقتصادی ملت ایران را تحت فشار قرار می‌دهند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۷/۲۶).

بنابراین، از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام وابستگی در مبدأ حرکت اقتصادی ایران دارای نقص‌هایی است. یکی از اساسی‌ترین موانع اقتصادی ایجاد تمدن نوین اسلامی است که همچنان آثار و پیامدهای منفی آن در حال اثرگذاری بر اقتصاد و حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی است.

ب) تک‌محصولی بودن اقتصاد: محدودبودن اقتصاد و درآمد اقتصادی ایران به نفت از موانع و چالش‌های اساسی در حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. به تعبیر مقام معظم رهبری علیه السلام، «یکی از سخت‌ترین آسیب‌های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول ده‌ها سال مایه فروریختگی‌های اقتصادی و فروریختگی‌های سیاسی و اجتماعی شد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). این اقتصاد تک‌محصولی و متکی به نفت میراث مقطعی از قاجاریه و حکومت پهلوی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ساختار آن تغییری اساسی و بنیادین صورت نگرفته است. بنابراین، مبدأ حرکت اقتصادی ایران با این شکل و سیاق نمی‌تواند مطلوب باشد. بر همین اساس، یکی از راهکارهای رفع موانع اقتصادی ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی «اقتصاد بدون نفت» است. اقتصاد بدون نفت وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی را به میزان زیادی برطرف می‌کند و پیشرفت همه‌جانبه را به دنبال خواهد داشت. اقتصاد ایران وابسته به تولید و صادرات نفت و تعداد اندکی از محصولات است. این مسئله اقتصاد را آسیب‌پذیر کرده که با تحریم، کاهش تقاضا، مشکلات و نوسانات اقتصادی، تاب‌آوری و انعطافش تقلیل یافته و درآمدها و منابعش کم می‌شود. به تعبیر مقام معظم رهبری علیه السلام، «کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صدساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۵/۳)؛ البته کار آسانی نیست و باید به‌مرور و به‌تدریج انجام شود (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱/۱).

ج) دولتی بودن اقتصاد: انحصار اقتصادی (محدود کردن متغیرهای اقتصادی به دست دولت) یکی دیگر از موانع پیشرفت اقتصاد جمهوری اسلامی ایران است که براساس همان رویه پیش از انقلاب ادامه پیدا کرده است. این در حالی است که حرکت اقتصادی در مقیاس تمدن نیازمند استفاده از ظرفیت‌های همه‌جانبه جامعه است. دولتی بودن اقتصاد یکی از موانع شکل‌گیری اقتصاد متناسب با تمدن نوین اسلامی است. ثمره اقتصاد دولتی نابرابری اقتصادی و اجتماعی، رکود در تولید و فقر و بیکاری است. در اقتصاد دولتی عده زیادی از انسان‌های مستعد به دلیل نداشتن سرمایه و امکانات و به دلیل نداشتن ارتباط با مراکز قدرت اقتصادی از کار و پیشرفت بازمانده‌اند.

مقام معظم رهبری دام‌ظله معتقد است یکی از دلایل آسیب‌پذیری و تحریم‌پذیر بودن اقتصاد تمرکز اقتصاد در دستگاه‌های دولتی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). لازم است کارهای مهم اقتصادی از حوزه مدیریت دولت خارج و در اختیار فعالان اقتصادی از مردم قرار گیرد و دولت تصدیگری خود را کم کند و نظارت خود را افزایش دهد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱/۱). اقتصاد مردمی باعث کارآمدی اقتصاد، افزایش تولید، افزایش سطح رفاه عمومی و رفع نابرابری، بیکاری و فقر است و تحرک، انگیزه و خلاقیت و کار و تلاش عامه مردم را به دنبال دارد. بنابراین، می‌توان گفت مبدأ حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی حرکتی صحیح مطابق با نیازهای تمدنی نبوده و باید با ساختاری جدید و متفاوت با قبل از انقلاب شکل بگیرد و استقلال اقتصادی، عدم وابستگی به نفت و خروج اقتصاد از انحصار دولت از مبادی و مبانی اصلی این ساختار باشد.

۳-۲. موضوع و محتوای حرکت اقتصادی

ویژگی حرکت به لحاظ موضوع و محتوا این است که موضوع حرکت از ابتدا تا انتها ثابت باشد؛ مثل حرکت گیاه، حرکت انسان یا حرکت حیوان که تا انتها حرکت در وجود خود آن‌ها رخ می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۲۷۴). این موضوع ثابت همان «ماده» است و همه صورت‌های نوعیه بر آن استوار است. به تعبیر علامه: «موضوع حرکت یا متحرک همان

چیزی است که حرکت را در خود قبول می‌کند و آن را می‌پذیرد» (شیروانی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۱۶). با این توضیح، وقتی از حرکت اقتصادی سخن گفته می‌شود منظور از موضوع حرکت اقتصادی همان شاخص‌های وجودی و هویت‌بخش اقتصاد اسلامی است؛ شاخص‌هایی که از یک سو سالم بودن اقتصاد را تضمین می‌کنند و از سوی دیگر نشان‌دهنده ظرفیت‌ها و قابلیت‌های توسعه‌آفرین اقتصاد اسلامی است. به اذعان خبرگان اقتصادی، شاخص‌های وجودی اقتصاد کنونی جمهوری اسلامی ایران شاخص‌های سرمایه‌داری و غیربومی است. این شاخص‌ها علی‌رغم ویژگی‌های مثبتی که دارند نمی‌توانند ایجادکننده تمدن نوین اسلامی و برطرف‌کننده نیازهای این تمدن باشند. به همین دلیل، اقتصاد سالم و اسلامی یکی از شروط ایجاد تمدن نوین اسلامی است که مقام معظم رهبری دام‌ظله بر آن تأکید دارند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری دام‌ظله، اقتصاد غیراسلامی بستر شکل‌گیری فساد و توجیه‌کننده بی‌عدالتی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹). در اقتصاد کنونی آسیب‌هایی مانند ربا، تقلب، رشاء (رشوه‌دادن)، ارتشاء (رشوه‌گرفتن)، حیف‌ومیل اموال دولتی و عمومی، اختلاس، انباشت سرمایه در دست عده‌ای خاص، کم‌فروشی، توزیع ناعادلانه ثروت، تضییع اموال عمومی و منابع طبیعی، کسب درآمد از راه‌های نامشروع، سوءاستفاده از مقام و قدرت، عهدشکنی و عمل نکردن به تعهدات مالی و کاری، و پرداخت‌های غیرقانونی به‌راحتی توجیه می‌شوند. این در حالی است که تجربه تاریخی نشان می‌دهد اقتصادهای ناسالم و فاسد نه تنها موجب شکل‌گیری تمدن نمی‌شوند، عامل اصلی نابودی دولت‌ها، حکومت‌ها و تمدن‌ها هستند. در تعریفی از مقام معظم رهبری دام‌ظله درباره فساد مالی آمده است که: «فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب‌ونرم و با چهره حق‌به‌جانب به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پر کنند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹). در تأثیر فساد به عنوان مانع پیشرفت جامعه می‌فرمایند: «فساد در ارکان هر جامعه‌ای به وجود بیاید، در حرکت آن اختلال ایجاد می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲) و مانند یک اراده‌های هفت‌سر و ویروس کروناست و بسیار خطرناک، واگیردار و مُسری است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات،

۱۳۹۹/۵/۷). از نگاه مقام معظم رهبری دام‌ظله، اقتصاد ناسالم پیامدهایی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. بسترساز فسادهای فرهنگی و اجتماعی است؛ مفسد اقتصادی برای رفع موانع درآمدزایی به اعمال نامشروع متعددی دست می‌زند، از جمله رشوه‌دادن، رشوه‌گرفتن، قتل، هتک حیثیت افراد و شخصیت‌هایی که با او همکاری نمی‌کنند؛ زیرا «آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به‌طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسئولان رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت می‌کنند، بعضی دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۱۰/۲۰).

۲. ترویج‌کننده و تشویق‌کننده فساد بیشتر است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود و مفسدان اقتصادی احساس امنیت کنند این فساد فراگیر می‌شود. «کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند، وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود این همه ثروت به‌دست آورد آن‌ها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند» (همان).

۳. اثرات وضعی و منفی بر تربیت جامعه می‌گذارد؛ مانند تأثیر منفی حرام‌خواری بر نسل که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَسَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ؛ و در ثروت و فرزندان با آنان شرکت جوی» (اسراء: ۶۳ و ۶۴). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «كسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ؛ درآمد حرام در فرزندان اثر (بد) می‌گذارد و هدایت آن‌ها را سخت می‌کند» (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۵۳). از دیگر آثار حرام‌خواری که در منابع روایی آمده است اجابت‌نشدن دعا، قساوت قلب، قبول‌نشدن عبادات و بی‌برکتی اموال است (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۷۳۲-۷۳۴). مقام معظم رهبری دام‌ظله می‌فرمایند: «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» (اسراء: ۱۶)؛ وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود «پیشوایان و متعّمان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، لیکن) آن‌ها راه فسق (و تبهکاری و ظلم) در آن دیار پیش گیرند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹).

۴. زمینه برای نفوذ و تأثیرگذاری دشمن بر جامعه اسلامی بیشتر می‌شود؛ از دیدگاه مقام

معظم رهبری علیه السلام مفسدان اقتصادی (مدیران فاسد و مردم فاسد) ابزارهایی می‌شوند در دست دشمن و این افراد به پایگاه و نیروهای دشمن خارجی تبدیل می‌شوند (همان). مقام معظم رهبری علیه السلام در تحلیل این مورد می‌فرمایند: خطر اضمحلال داخلی که بر اثر نگاه کردن به جلوه‌های مادی و بزرگانگاشتن آن‌ها، مغلوب احساسات نفسانی شدن، بر اثر اشتباه در فهم راه درست، جامعه دچار آفت زدگی می‌شود که این خطر از دشمن خارجی بیشتر است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴، ۱۶۵ و ۱۶۶)؛ زیرا در این وضعیت است که دشمن خارجی با پول و وعده و وعید می‌تواند در جامعه اسلامی برای خود پایگاهی ایجاد کند و از درون نظام اسلامی را متلاشی سازد. جامعه در اثر فساد مالی و اقتصادی و شکل‌گیری اشرافیت دنیاپرست دچار چنین وضعیت خطرناکی می‌شود و افراد به جای اینکه در مقابل دشمن جهاد کنند در خدمت دشمن قرار می‌گیرند. در سال ۶۱ هجری، مردم شهر کوفه که در گذشته از دوستان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، مغلوب احساسات نفسانی و جلوه‌های مادی شدند و با تبعیت از یزید شهادت امام حسین علیه السلام را رقم زدند.

۳-۳. فاعل و نظام فاعلی حرکت اقتصادی

فاعل یا محرک - که موتور به وجود آورنده شیء است - معطی و دهنده حرکت است. فاعل دو قسم است: اول فاعل الهی که همان فاعل حقیقی است؛ دوم فاعل طبیعی که مُعدّ (علت ناقصه) و ایجادکننده و شرط در حرکت است (شهابی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۵۸۴). منظور از فاعل و نظام فاعلی در این مقاله مجموعه عوامل انسانی مرتبط با حرکت اقتصادی است که ایجاد، تسریع و تداوم حرکت اقتصادی را برعهده دارند. مسئولان و متولیان اقتصادی مخاطب اصلی این بخش از حرکت اقتصادی هستند. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «عرصه تولید و رونق اقتصادی احتیاج دارد به پیشروان و فرماندهانی و صفوف مقدمی؛ آن پیشروان، شما هستید. خط‌شکن‌های این میدان تولیدکنندگان هستند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۸/۲۸). به طور کلی، از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام وجود انگیزه تمدنی و روحیه جهادی در بین متصدیان اقتصادی و نقش‌آفرینی عموم مردم در اقتصاد از شروط اصلی موفقیت حرکت اقتصادی در مقیاس ایجاد تمدن و پاسخ‌گویی به نیازهای تمدنی

است. در ادامه، موانع اصلی در نظام فاعلی حرکت اقتصادی بررسی می‌شود.

الف) فقدان انگیزه تمدنی: نبود انگیزه تمدنی در بین متولیان موجب محروم شدن اقتصاد جمهوری اسلامی از چشم اندازهای تمدنی شده است. رویکرد راهبردی به اقتصاد و توجه به زیرساخت‌های اقتصادی نیازمند انگیزه بالایی تمدنی است؛ زیرا وجود انگیزه تمدنی موجب نجات حرکت اقتصادی از برنامه‌های مقطعی و موقتی می‌شود. بزرگ‌ترین عامل فقدان انگیزه تمدنی بی‌اعتقادی به ظرفیت‌های بومی و خودباختگی در مقابل قدرت‌های مادی است. از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه، یکی از موانع شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به‌ویژه در حوزه صنعت و اقتصاد «حس خودکم‌بینی» و «احساس درماندگی و ناتوانی» است. از نظر وی، برخی خودباختگان در برابر تمدن غرب به این نتیجه رسیده‌اند که ایران و اسلام ظرفیت تمدن‌سازی ندارد و اگر هم در گذشته داشته، در عصر جدید این توانایی را ندارد. مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه معتقدند که ایران، اسلام و انقلاب اسلامی از ظرفیت بالایی برای رفع مشکلات اقتصادی و تمدن‌سازی برخوردار است و با خودباوری و عزم و اراده می‌تواند علم و اقتصاد را از انحصار نظام سلطه بیرون بیاورد و تمدنی منطبق با دنیای جدید - که ریشه و بنیاد آن قرآن و آموزه‌های اهل بیت پیامبر علیه‌السلام است - ایجاد کند؛ مشروط به اینکه مسئولان و مردم حس خودحقیرپنداری و احساس ناتوانی را نداشته باشند. «نباید با نگاه شتابزده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم. بدبینی به توانایی‌های خود کفران نعمت الهی است. غفلت از امداد الهی و کمک سنت‌های آفرینش، فروغ‌لطفیدن به ورطه: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ؛ کسانی که به خدا گمان بد دارند» (فتح: ۶) است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۲/۹).

مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه معتقدند که خودکم‌بینی و دست‌کم‌گرفتن توانایی و قدرت ملت و کشور بزرگ‌ترین خطر است و برخی افراد به دلیل حس خودکم‌بینی پیشرفت‌های علمی کشور را دروغ می‌پندارند. درحالی‌که در خارج کسانی مثل رژیم صهیونیستی از پیشرفت علمی ایران ابراز نگرانی می‌کنند و قدرت علمی و نفوذ ایران را باور دارند، در داخل خودکم‌بین‌ها می‌گویند ما کسی نیستیم، ما چیزی نیستیم! (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات،

۱۳۹۴/۸/۲۰). بنابراین، جامعه اسلامی در عرصه تمدن‌سازی و پیشرفت نیازمند به خودباوری، توکل، ایمان و مجاهدت دائم است؛ اما «اگر کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، این‌ها می‌شود کفران نعمت الهی» «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ» (ابراهیم: ۲۸)؛ «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟!» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۲/۱۱).

ب) نداشتن روحیه جهادی: تلفیق انگیزه تمدنی با روحیه جهادی از ویژگی‌های اصلی و موردنیاز حرکت اقتصادی تمدن اسلامی است. این دو ویژگی می‌تواند به تکمیل و اصلاح نقش فاعلی در حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی کمک کند. مقام معظم رهبری دامه‌عزله در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی روحیه جهادی را به‌عنوان یکی از لوازم و الزامات می‌دانند و می‌فرمایند: «نکته چهارم، رویکرد جهادی است که در این سیاست‌ها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت. با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد. یک همت جهادی لازم است. تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پرقدردان باشد، هم بابرنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). نقطه مقابل روحیه جهادی تنبلی و سستی است. از دیدگاه مقام معظم رهبری دامه‌عزله تنبلی از موانع ایجاد اقتصاد متناسب با تمدن نوین اسلامی است که فرد و جامعه را با خسارات جبران‌ناپذیری مواجه می‌سازد و مانع شکوفایی اقتصادی است. از نظر ایشان با وجود ظرفیت‌هایی که در ایران و جهان اسلام وجود دارد با چابکی، کوشش و تلاش و برنامه‌ریزی می‌توان تمدن نوین اسلامی را که زمینه‌های شکل‌گیری آن با انقلاب اسلامی فراهم آمده است، ایجاد کرد؛ اما با تنبلی، مسامحه و بیکاری پیشرفت اقتصادی، علمی و معنوی و درنهایت تمدن‌سازی در حد یک آرزو باقی می‌ماند. تنبلی و سستی در آموزه‌های دینی نیز مورد نکوهش قرار گرفته است. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِيَّاكَ وَ خَصَلَتَيْنِ الضُّجْرَ وَ الْكَسْلَ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ

عَلَى حَقٍّ وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا؛ از دو خصلت دوری کن: آزرده‌گی خاطر و تنبلی؛ زیرا اگر بی‌حوصله و آزرده‌خاطر شدی بر حق صبر نمی‌کنی و زمانی که دچار تنبلی شدی حق را ادا نمی‌کنی» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۱: ۳۰). در دعای ابوحمره ثمالی آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ؛ پروردگارا، من از تنبلی و پیری به تو پناه می‌برم» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۵۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۵۸۶) که «هَرَم» به معنای پیری سنی نیست، بلکه پیری روحی است. برخی افراد سناً جوانند اما روحاً پیرند؛ گاهی عکسش هم هست: شخص پیر است، اما روحاً بانشاط و جوان است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۹/۱۶).

سفارش به کار و تلاش و دوری از تنبلی و سستی توصیه‌ای است برای همه کسانی که جویای آسایش دنیا و آخرت هستند. پیشوایان دین نیز برای به‌دست‌آوردن آسایش هر دو جهان و رضایت خداوند، همواره در حال کار، تلاش، مجاهدت و پایداری بوده‌اند و از سستی، بی‌حوصلگی و تن‌پروری به شدت پرهیز می‌کردند و هیچ‌گاه دیده نشد که این بزرگواران بر اثر سستی و تنبلی کار خود را بر دوش دیگران نهند و از تلاش و کوشش باز بمانند. رسول خدا ﷺ انسان‌هایی را که می‌توانند با کار و تلاش روزی خود را به دست بیاورند اما سربار دیگران هستند ملعون می‌داند (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴: ۱۲). در جامعه اسلامی نباید کسالت و سستی حاکم باشد؛ باید همه با تلاش و مجاهدت، استفاده از ظرفیت‌ها و دوری از کسالت و تنبلی، نیازهای جامعه خود را برطرف کنند و حتی دیگر ملت‌ها از ثمره تلاش آن‌ها بهره‌مند شوند. تنبلی آثار و عواقب زیانباری برای فرد و جامعه دارد، مانند فقر، درماندگی، سربار دیگران شدن و حقیر شدن. مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه عامل عقب‌ماندگی و رکود را تنبلی، بیکاری، راحت‌طلبی و تن‌دادن به ذلت می‌داند و تنبلی، تن‌آسایی، عدم تدبیر و راحت‌طلبی را از همه دشمن‌ها بدتر می‌خواند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۴/۱۱ و ۱۳۸۵/۸/۲).

ج) مردمی نبودن اقتصاد: موضوع بسیار مهمی که در اندیشه مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه وجود دارد نقش فاعلیت جامعه و مردم در حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی است. از

دیدگاه وی حضور مردم علاوه بر رفع موانع مادی موجب جلب و توفیق عنایت الهی نیز می‌شود؛ چنان‌که می‌فرماید: «تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست؛ «يُدِّ اللّٰهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ». هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست. نشانه و نمونه آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه آن خود انقلاب... ما در زمینه اقتصادی به این کمتر بها دادیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز مردم جایگاه ویژه‌ای دارند که اساساً بدون نقش‌آفرینی مردم اقتصاد مقاومتی تحقق پیدا نمی‌کند. «این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱) و از وظایف مردم و عموم جامعه است از زیاده‌روی در هزینه‌کردن بپرهیزند؛ زیرا یکی از موانع اقتصادی پیشرفت اقتصادی مصرف مسرفانه است. خروج از اعتدال در مصرف مانع بزرگی بر سر راه نوآوری علمی و تکامل اقتصادی است. از دیدگاه مقام معظم رهبری دام‌ظله یکی از معایب جامعه ما اسراف، ولنگاری در مصرف و ولخرجی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۱۲/۳). مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که یکی از ویژگی‌های مهم ملت‌های تمدن‌ساز، مصرف بهینه و هدفمند است. این جوامع ارزاق، محصولات کشاورزی، پوشاک و صنایع موردنیاز خود را چند برابر نیاز تولید می‌کردند و نیازهای مناطق و کشورهای دیگر را نیز تأمین می‌کردند و از اسراف و تبذیر به دور بودند. امام‌علی علیه السلام یکی از عوامل سقوط تمدن‌ها را تبذیر ناروا و هزینه‌های زیانبار اقتصادی می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹: ۳۵۴).

در روایات معصومان مصرف و انفاق مال در مسیر ناصواب و در راه غیر خدا «تبذیر» نامیده شده (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶؛ مجلسی، ج ۷۸: ۹۷) و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء: ۲)؛ «حیف و میل‌کنندگان اموال، برادران شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگار خود ناسپاس است». میل به زندگانی تجملاتی و اسراف و اتراف، روش بندگان و اتباع شیطان

است و یکی از عوامل سقوط و انهدام تمدن‌ها و حکومت‌ها به‌شمار می‌آید و خداوند در بیان این موضوع می‌فرماید: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» (إسراء: ۱۶)؛ «هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (ثروتمندان مست شهوت) آنجا بیان می‌داریم؛ سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آن‌ها را به‌شدت درهم می‌کوبیم». بر همین اساس، مقام معظم رهبری «مَظَلَّة» معتقدند «در راه پیشرفت... اشرافیگری ممنوع است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۳/۱۴). ایشان اسراف، تجمل‌گرایی، رشوه و پارتی‌بازی و خرج‌های زیاد را از مصادیق فساد و مانند موربانه برای نظام اسلامی خطرناک می‌دانند که باید از آلودگی دستگاه‌های دولتی به این اعمال جلوگیری شود (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶). از دیدگاه مقام معظم رهبری «مَظَلَّة»، «ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد. اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۳-۴. مسافت و محیط حرکت اقتصادی

یکی از ارکان حرکت «مسافت» است؛ مثل یک درخت که هرچه می‌گذرد بر طول و عرض آن اضافه می‌شود و به آن حرکت در «کم» می‌گویند؛ و مثل سیب روی درخت که اول سبز بوده و بعد قرمز می‌شود و حرکت در «کیف» است (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۲۷۴). در این مقاله، منظور از مسافت یا محیط همان مسیری است که بین مبدأ و مقصد حرکت اقتصادی واقع می‌شود. به عبارت دیگر، حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی برای رسیدن به نقطه مطلوب خود چه مسیری و چه قلمروی را باید پشت‌سر بگذارد تا به ایجاد تمدن نوین اسلامی دست یابد. این مسافت همان چیزی است که مقام معظم رهبری «مَظَلَّة» درباره آن می‌فرمایند: «خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۸/۲۱). این خط و مسیر در اندیشه مقام معظم رهبری «مَظَلَّة» فرایندی پنج مرحله‌ای است: مرحله اول «شکل‌گیری انقلاب»، مرحله دوم

«ایجاد نظام اسلامی»، مرحله سوم «تشکیل دولت اسلامی»، مرحله چهارم «تشکیل جامعه اسلامی» و در نهایت مرحله پنجم «تحقق تمدن اسلامی» است (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۲/۶). از دیدگاه مقام معظم رهبری دام‌ظله، برای موفقیت در این مسیر: «بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کند، پردازش کند، استنتاج کند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کند» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). باتوجه به بیانات فوق مهم‌ترین موانع مرتبط با مسافت و محیط حرکت اقتصادی عبارت‌اند از:

الف) بی‌توجهی به فرایندهای پنج‌گانه حرکت اقتصادی؛ از نظر مقام معظم رهبری دام‌ظله، لازمه رفتن به سمت هدف گام برداشتن آگاهانه و شناخت مسیر است. بنابراین، بی‌توجهی و شناختن مراحل که به تمدن نوین اسلامی ختم می‌شود یکی از موانعی است که امکان جهت‌دهی حرکت اقتصاد به سمت تمدن نوین اسلامی را دشوار می‌کند. در نتیجه، موجب ابهام در حرکت اقتصادی می‌شود. مقام معظم رهبری دام‌ظله در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومت به این مانع و راهکار رفع آن اشاره کرده‌اند: «مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درواقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ماست؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ماست... این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاست‌ها را به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

ب) بی‌توجهی و ابهام در نقشه راه و مسیر حرکت اقتصادی؛ بعد از شناخت فرایندها یا همان مسافت و محیطی که حرکت اقتصادی باید در آن و متناسب با آن حرکت کند، الزام بعدی شناخت نقشه راه و حرکت براساس آن است. از نظر مقام معظم رهبری دام‌ظله، نقشه راه اقتصادی تمدن نوین اسلامی همان سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است که درباره

آنها می‌فرمایند: «در این سیاست‌ها تنها مسئله نقشه راه نیست، بلکه در اینجا شاخص‌های درست پیمودن راه هم مطرح شده؛ درست مثل علانم راهنمایی‌وراندگی. در بندهای گوناگون این سیاست‌ها وظایفی تعیین شده است که درواقع این وظایف تضمین‌کننده درستی حرکت در این راه است» (همان). مقام معظم رهبری دام‌ظله معتقدند لازمه موفقیت نقشه راه تبدیل‌شدن آن به برنامه است: «این طرح کلی، این نقشه راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد» (همان). مهم‌ترین مصداق برنامه از نظر مقام معظم رهبری دام‌ظله - که نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد دارد - توجه به چرخه تبدیل علم به ثروت است و دراین زمینه می‌فرمایند: «طبعاً چرخه علم تا ثروت - مخصوصاً در بخش‌هایی که دارای مزیت هستند - به راه خواهد افتاد و امتداد پیدا خواهد کرد؛ و این در اقتصاد مقاومتی إن شاء الله روی می‌دهد» (همان). از نظر وی، این برنامه تسهیل‌کننده مسیر حرکت سرمایه‌گذاران و دانشمندان اقتصادی است: «بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران و دانشمندان احساس کنند که با موانع غیرمعقول مواجه نیستند، بتوانند حرکت کنند» (همان).

ج) بی‌توجهی به گفتمان‌سازی حرکت اقتصادی؛ مهم‌ترین مؤلفه برای پیمودن مسیرهای دشوار توجیه‌پذیر بودن است؛ به عبارت دیگر، جامعه و مخاطب باید قانع شوند که چرا و به چه دلیل باید در این مسیر گام بردارند. بنابراین، لازم است برای حمایت جامعه از حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی و همراهی کردن با این حرکت توجیه شود و با میل خود در این مسیر گام بردارد. از نظر مقام معظم رهبری دام‌ظله، جامعه و مخاطب زمانی با حرکت اقتصادی همراهی و حمایت می‌کند که گفتمان‌سازی مناسب صورت گرفته باشد. وی درباره اهمیت گفتمان‌سازی می‌فرمایند: «باید با استفاده از دستگاه‌ها و امکانات، به نحوی گفتمان‌سازی شود که الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی، به گفتمانی حاکم بر ذهن‌ها و دل‌های جوانان، یعنی نسل آینده مدیران کشور، تبدیل شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۲/۶). در نتیجه، می‌توان گفت بی‌توجهی به گفتمان‌سازی یکی از موانع حرکت

اقتصادی تمدن نوین اسلامی است. محسوس‌ترین اثر فقدان گفتمان‌سازی همراهی نکردن جامعه و مردم با طرح‌های اقتصادی است. آنچه در موضوع گفتمان‌سازی اهمیت دارد اینکه حرکت اقتصادی جمهوری اسلامی با محوریت اقتصاد مقاومت طرحی تاکتیکی و کوتاه‌مدت و مقطعی نیست، بلکه برنامه‌ای بلندمدت، راهبردی و آینده‌نگر است که برای تحقق تمدن نوین اسلامی تدوین شده است. مقام معظم رهبری «لَمَّظَلَّة» در این باره می‌فرمایند: سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به‌معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است؛ همچنان که مثلاً هیئت‌های فکر و عمل برای مقابله با جنگ اقتصادی تشکیل می‌شود، این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به‌هیچ‌وجه این جوری نیست؛ این سیاست‌ها سیاست‌های بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر این‌ها گذاشته می‌شود؛ تدبیر مقطعی نیست. این یک تدبیر بلندمدت است، یک سیاست راهبردی است «آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰».

۳-۵. زمان (فرصت‌ها و چالش‌های) حرکت اقتصادی

هر حرکت زمان خاص خود را دارد که نشان‌دهنده مقدار آن حرکت است. زمان مثل حرکت در شب یا روز، تابستان و زمستان، سال و قرن نشان داده می‌شود. به تعداد حرکات موجود در جهان زمان وجود دارد (شیروانی، همان: ۱۹۶-۱۹۹). بنابراین، زمان نشان‌دهنده گذار حرکت و گذشت فرصت‌هاست. به‌طور طبیعی، حرکت اقتصادی همیشه در موقعیت‌های یکسانی قرار ندارد. در این مسیر فرصت‌ها و چالش‌های متعددی وجود دارند که نوع مواجهه با چالش‌ها و نوع استفاده از فرصت نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت حرکت اقتصادی دارد. بنابراین، مهم‌ترین شاخصه و مؤلفه زمان، شناخت موقعیت‌هایی است که به‌کمک آن‌ها می‌توان از فرصت‌ها استفاده کرد و چالش‌های حرکت اقتصادی را شناسایی و رفع کرد. از نظر مقام معظم رهبری «لَمَّظَلَّة» در موضوع زمان سه اصل، نقش تعیین‌کننده در موفقیت حرکت اقتصادی دارد که عبارت‌اند از:

الف) شناخت معقول از گذشته: شناخت گذشته و بررسی جریان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، و ادبی، و تجربه‌های ذخیره‌شده‌پی‌درپی انسان‌ها بیشترین کاربرد را در ایجاد تمدن نوین اسلامی دارد. گذشته، مجموعه‌ای از موفقیت‌ها و شکست‌ها و وقایع و رخداد‌های خوشایند و ناخوشایند است و تمدن میراث نسل‌های متوالی و پرشمار بشر است که از گذشته به امروز رسیده است. شناخت معقول از گذشته به معنای شناخت تحلیلی و عقلانی عوامل شکست و پیروزی است که تابلویی را در پیش‌روی امت - به‌ویژه نخبگان و تصمیم‌گیران جامعه - قرار می‌دهد تا با فهم آن زمینه‌های پیشرفت را فراهم آورند و از سقوط و افتادن به دره‌های ناکامی اجتناب نمایند. در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: «عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه خود یا گوش‌سپردن به تجربه دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شماس‌ت و شما باید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش - که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه است - نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

هدف اصلی از شناخت و بررسی وقایع گذشته، پندگرفتن و آموختن است. در قرآن کریم واژه عبرت (پندگرفتن) هفت بار آمده است؛ از جمله در آیه ۲ سوره حشر خداوند می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ؛ پس عبرت بگیرید ای بینایان!» از آنجاکه عمر انسان در دنیا کوتاه است نمی‌تواند به‌صورت آزمون‌وخطا همه راه‌های احتمالی را تجربه کند. انسان همواره در معرض مشکلات و مسائل بسیاری است. قرآن کریم انسان‌ها را به شناخت گذشته ترغیب می‌کند و قالب پرداخت‌های تاریخی قرآن «عبرت» است. خداوند در قرآن پس از داستان حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف: ۱۱۱)؛ «در سرگذشت آن‌ها [انبیا و امت‌های پیشین، به‌ویژه داستان بنی اسرائیل و حضرت یوسف و برادرانش] درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است».

در سوره یوسف، عصاره تجربیات اقوام پیشین و رهبران بزرگ دیده می شود و معرفت نسبت به این سوره عمر کوتاه مدت انسان را به اندازه عمر تمام بشریت طولانی می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۱۰۰).

خداوند می فرماید: «وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (قصص: ۱۲۰)؛ «ما از هر یک از سرگذشت های انبیا برای تو بازگو کردیم تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم؛ (و اراده ات قوی گردد) و در این (اخبار و سرگذشت ها) برای تو آنچه حق است و برای مؤمنان آنچه موعظه و تذکر است، آمده است».

مقام معظم رهبری دامت برکاته در مقام هشدار و تحذیر نسبت به تاریخ گرایی بی حاصل یا کم حاصل، می فرمایند: «این گذشته تاریخی به چه دردی می خورد؟ اگر این گذشته را به عنوان یک شجره نامه در جیبمان بگذاریم و فقط به آن افتخار کنیم، مثل بعضی هاست که از سیادت فقط شال سبزی به کمرشان ببندند یا شجره نامه ای در جیبشان بگذارند و آن را وسیله ارتزاق قرار دهند، این که درست نیست» (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۳/۴/۱۹).

ایشان در نقطه مقابل، درباره شناخت معقول و متفکرانه و کارساز نسبت به گذشته می فرمایند: «اهمیت این شجره نامه تاریخی از این جهت است که نشان می دهد این منطقه [همدان] به هر دلیلی -یا به دلیل اقلیمی، یا به دلیل جغرافیایی، یا به دلیل تاریخی- منطقه ای است که استعداد در آن پرورش پیدا می کند؛ یعنی جوان امروز... باید این امید را داشته باشد که بشود ابن سینا، بشود رشیدالدین فضل الله، بشود امیر سیدعلی همدانی، بشود... این که ما می بینیم امروز نسل جوان در کشور، به سمت پویایی و تحرک علمی پیش می رود به خاطر این است که در پرتو شناخت عقلانی نسبت به گذشته درخشان خود، این امید در نسل جوان به وجود آمده است. باید این امید را روز به روز بیشتر کنیم» (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۳/۴/۱۹).

بنابراین، شناخت گذشته زمانی با ارزش است که امید به آینده را در انسان زنده کند و حس اعتماد به نفس را تقویت نماید.

ب) شناخت کامل و دقیق از موقعیت کنونی: شناخت چالش‌ها و فرصت‌های جهان معاصر نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و گام برداشتن برای ایجاد تمدن نوین اسلامی دارد. به عبارت دیگر، لازمه رسیدن به اقتصاد تمدنی شناخت فرصت‌ها و چالش‌هایی است که در مسیر حرکت اقتصادی قرار دارند. در آثار و اندیشه مقام معظم رهبری «ام‌ظله»، فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی زیاد مورد تأکید قرار گرفته است. بخش عمده چالش‌ها در مراحل چهارگانه بررسی شد. در اینجا به چند نمونه از فرصت‌هایی که می‌توانند در حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی نقش ایفا کنند اشاره می‌شود:

۱. فرصت نیروی انسانی جوان؛ شناخت این فرصت اساسی و استفاده از آن در حرکت اقتصادی یکی از مواردی است که مقام معظم رهبری «ام‌ظله» در موارد متعدد بر آن تأکید کرده‌اند. «یکی از مزیت‌های بزرگ کشور عبارت است از فرصت جمعیت جوان کشور... به تعبیر این جمعیت‌شناس‌ها، «پنجره جمعیتی». ما امروز در دل این فرصت قرار داریم... آدم‌هایی که تخصصی در این کار دارند و کارشناس این کارند می‌گویند این فرصت تا بیست سال دیگر ادامه خواهد داشت؛ ما بیست سال این فرصت را داریم؛ اگر در این بیست سال توانستیم پایه‌های کار خودمان را محکم کنیم که بُرد کردیم؛ اگر غفلت کردیم و این بیست سال فرصت از دستان رفت و کشور وارد عرصه سالمندی و فرسودگی شد، دیگر کاری نمی‌شود کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۸/۲۸).

۲. فرصت منابع طبیعی در کشور؛ از نگاه مقام معظم رهبری «ام‌ظله» منابع و امکانات بی‌نظیر طبیعی موجود در ایران نقش چشمگیری در موفقیت حرکت اقتصادی و تحقق تمدن نوین اسلامی دارند. «ما تقریباً یک‌صدم جمعیت دنیا را داریم؛ خاک ما هم تقریباً یک‌صدم سطح خشکی‌های دنیاست؛ اما سهم ما از منابع طبیعی، بسیار بیشتر از معدل سهم یک‌صدم ماست. در نفت، ذخایر ما برجسته است و در شمار چند کشور اول دنیا هستیم. دومین ذخیره غنی گاز در همه دنیا را ما داریم که از سهم معدل ما خیلی بیشتر است. دو درصد معادن آهن دنیا در کشور ماست، که دوبرابر سهم ماست. معادن مس ما پنج درصد همه مس دنیاست؛ یعنی پنج برابر سهم ماست. معادن روی و سرب ما سه‌ونیم درصد

است، که چندبرابر سهم طبیعی ما در دنیاست. خیلی از کشورها این‌ها را ندارند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۲/۵/۱۵).

۳. فرصت موقعیت ژئوپولیتیکی کشور؛ از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام، شناخت فرصت راهبردی جغرافیایی سیاسی ایران برای موفقیت حرکت اقتصادی ایران لازم و ضروری است: «کشور ما کشوری است با جغرافیای مهم. موقعیت جغرافیایی ما یکی از موقعیت‌های جغرافیایی خوب کشورهای دنیاست. اگر کشورهای دنیا را از لحاظ موقعیت جغرافیایی به چند درجه تقسیم کنیم، یقیناً ایران در درجات بالا یا در بالاترین درجه قرار خواهد گرفت» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۴/۳۰)؛ در مورد دیگری می‌فرمایند: «با پانزده کشور همسایه هستیم و حمل‌ونقل ترانزیت داریم. در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آب‌های محدود منتهی می‌شود. ۳۷۰ میلیون جمعیت در همسایگی ما زندگی می‌کنند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۶).

۴. فرصت تزلزل نظام تک‌قطبی؛ جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌الملل و انتقال قدرت اقتصادی و تکنولوژی از غرب به شرق از بزرگ‌ترین فرصت‌هاست که درک درست آن و استفاده صحیح از آن می‌تواند در روند حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی نقش مثبت و تأثیرگذاری ایفا کند. از نگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام، «نشانه‌های اضمحلال قدرت تک‌قطبی آمریکا آشکار و شکست و نابودی امپریالیسم بیش از هر زمان دیگر نزدیک‌تر شده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۳/۲۰). باتوجه‌به خوی استکباری آمریکا و پیروی کشورهای غربی از آمریکا: «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ماست» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹).

ج) شناخت هدفمند از آینده: شناخت روندهای اقتصادی تأثیرگذار بر آینده جهان، زیرساخت‌های موردنیاز برای اقتصاد آینده، متغیرهای جهت‌دهنده اقتصاد در آینده ازجمله مواردی است که توجه به آن‌ها و برنامه‌ریزی متناسب با آن‌ها لازم و ضروری است. به تعبیر مقام معظم رهبری علیه‌السلام، «آینده با حرف ساخته نمی‌شود؛ با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته

می‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۶/۲۶). از نظر ایشان اقتصاد مقاومتی این ظرفیت را دارد روند روبه‌رشد کشور را ترسیم کند و متناسب با فرصت‌ها و چالش‌های آینده در خدمت تمدن‌سازی قرار گیرد: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه‌رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۶/۲).

۳-۶. مقصد و غایت حرکت اقتصادی

غایت یا منتها به معنای جزء آخرین است. منتهای حرکت، نسبی و قراردادی است، به این معنا که هر منتهای حرکتی، نسبت به ماقبل خودش پایان و نسبت به مابعد خودش ابتداست (مطهری، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۶۶). حرکت خواه جوهری، عرضی، طبیعی یا نفسانی محدود است و دارای آغاز و پایان می‌باشد و هر یک از بخش‌های حرکت متناهی است (شیروانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۸۱). از آنجا که تمدن تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی برای رسیدن به حیات معنوی است (جعفری، ۱۳۵۹، ج ۵: ۱۶۴ و ۱۶۵) پیشرفت‌های مادی و معنوی انسان حدّ یقف ندارد؛ بشر می‌تواند با تلاش و کوشش به میزان زیادی از پیشرفت‌های مادی و معنوی دست یابد که از داشتن آن‌ها احساس خشنودی و رضایت داشته باشد. با این توضیح منتهای حرکت اقتصادی در تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری دام‌طه حیات طیبه و پیشرفت‌های مادی و معنوی براساس اسلام و معارف اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که در آن انسان‌ها از معیشت شایسته و مناسب، امنیت خاطر و آزادی فکر و اندیشه برخوردار می‌شوند و در آن علم، ثروت، پیشرفت، عزت، عدالت و قدرت مواجهه با امواج جهانی وجود داشته باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۲۴).

بنابراین، مقصد حرکت اقتصادی نشان‌دهنده غایت مطلوبی است که حرکت اقتصادی برای رسیدن به آن تنظیم و برنامه‌ریزی می‌شود. شناختن یا بی‌توجهی به این غایت از موانع

اصلی حرکت اقتصادی است. در اندیشه مقام معظم رهبری دامنه‌الای، این غایت به لحاظ ساختاری همان تمدن نوین اسلامی است و به لحاظ محتوایی دربرگیرنده حیات طیبه است؛ همان گونه که مقام معظم رهبری دامنه‌الای می‌فرمایند: «هدف از همه این مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید، و همه تلاش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه اسلامی بود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۱۲). درباره چستی و توصیف حیات طیبه می‌فرمایند: «حیات طیبه یعنی چه؟ یعنی همه این چیزهایی که بشر برای بهزیستی خود، برای سعادت خود به آن‌ها احتیاج دارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۲۵). از نگاه ایشان در حیات طیبه به همه نیازهای انسان رسیدگی می‌شود: «حیات طیبه یعنی چه؟ یعنی زندگی‌ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۲۴). به طور کلی، از نگاه مقام معظم رهبری دامنه‌الای دو ویژگی مهم اقتصادی در حیات طیبه که توجه به آن لازمه تحقق تمدن نوین اسلامی است عبارت‌اند از:

۱. عدالت اقتصادی؛ در حیات طیبه که در تمدن نوین اسلامی تحقق پیدا می‌کند عدالت اقتصادی و تقسیم مناسب فرصت‌های اقتصادی به عنوان یک اصل مورد توجه مقام معظم رهبری دامنه‌الای است. «درمورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. باید مراقبت بکنید که فاصله طبقاتی پیش نیاید؛ فقرا پامال نشوند؛ این‌ها جزو مسائل اساسی در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ماست» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۴).

۲. رفع فقر و تحقق رفاه اقتصادی؛ حیات طیبه در اندیشه مقام معظم رهبری دامنه‌الای حیاتی برخوردار از رفاه اقتصادی و به دور از فقر است؛ «هدف نهایی عبارت است از این که انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر، و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت

کنند. حیات طیبۀ اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۲/۱۸).

نتیجه‌گیری

بررسی اندیشه‌های اقتصادی مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه نشان می‌دهد رویکرد اقتصادی ایشان رویکردی منظومه‌ای، تکاملی و پویاست. به همین دلیل، ایشان برای توضیح و تبیین الزامات اقتصادی تمدن نوین اسلامی از مفهوم «حرکت اقتصادی» بهره می‌برند. در این مقاله با استفاده از چهارچوب نظری «ارکان شش‌گانه حرکت» تصویری روشن و روشمند از موانع حرکت اقتصادی ایجاد تمدن نوین اسلامی ارائه شد. در بخش اول (مبدأ و شروع حرکت اقتصادی)، از نظر مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه اقتصادی که در سال ۱۳۵۷ برای جمهوری اسلامی به‌جا ماند، اقتصادی وابسته و مصرف‌کننده صرف بود. پس از انقلاب این اقتصاد و شیوه‌های اجرایی آن مطابق با شأن و اهداف جمهوری اسلامی، بازسازی و ساختاربندی نشد، بلکه با همان شاکله اصلی - یعنی با وابستگی و خام‌فروشی - ادامه پیدا کرد. در بخش دوم (موضوع حرکت اقتصادی از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه) این نتیجه به دست آمد که بخش‌هایی از شاخص‌های اقتصاد کنونی جمهوری اسلامی ایران شاخص‌های سرمایه‌داری و غیربومی است و این شاخص‌ها با وجود ویژگی‌های مثبتی که دارند نمی‌توانند موجد باشند. موضوع بخش سوم، فاعل و نظام فاعلی حرکت اقتصادی نظام اسلامی است. مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه انگیزه تمدنی و روحیه جهادی در کنار نقش‌آفرینی عموم مردم را لازمه و از شروط اصلی موفقیت حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی می‌دانند و فقدان این رویکردها از موانع شکل‌گیری اقتصاد متناسب با تمدن نوین اسلامی است. در بخش چهارم (مسافت و محیط حرکت اقتصادی) مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی را در پنج مرحله (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی) ترسیم می‌کنند. از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه بی‌توجهی به فرایندهای پنج‌گانه و بی‌توجهی به نقشه راه و ابهام در مسیر حرکت اقتصادی و فقدان گفتمان‌سازی از موانع حرکت اقتصادی تمدن نوین اسلامی است. بخش پنجم زمان یا

همان فرصت‌ها و چالش‌های حرکت اقتصادی است. مقام معظم رهبری دام‌ظله معتقدند نوع مواجهه با چالش‌ها و نوع استفاده از فرصت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت حرکت اقتصادی دارد. در این بخش نبود شناخت معقول و درست از گذشته و تحولات اقتصادی و نداشتن شناخت واقع‌گرایانه و دقیق از موقعیت کنونی حرکت اقتصادی و وضعیت جمهوری اسلامی، و نبود درک آینده‌نگرانه مهم‌ترین موانع حرکت اقتصادی شناخته می‌شوند. بخش ششم این نوشتار مقصد و غایت حرکت اقتصادی است. مقام معظم رهبری دام‌ظله معتقدند این حرکت یک هدف دارد و آن تحقق تمدن نوین اسلامی است. این هدف از لحاظ شکل ظاهری و ساختار اقتصادی باید متناسب با تمدن نوین اسلامی باشد و به لحاظ محتوا، نیازمند تحقق ویژگی‌های اقتصادی حیات طیبۀ اسلامی است که بی‌توجهی به این دو موضوع و فقدان این دو رویکرد از موانع حرکت اقتصادی در بخش مقصد و غایت حرکت اقتصادی است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمۀ محمد دستانی.

اشیری، سعید (۱۳۹۳). مطالبات اقتصادی در گفتمان مقام معظم رهبری. تهران، مؤسسه

فرهنگی هنری شهید آوینی.

امینی، علی (۱۳۷۷). خاطرات علی امینی. به کوشش یعقوب توکلی. تهران، دفتر ادبیات

انقلاب اسلامی.

بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

پژوهش گروهی جامی (۱۳۷۱). گذشته چراغ راه آینده است. تهران، نیلوفر.

پیغامی، عادل (۱۳۹۵). درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی: تبیین نظریۀ اقتصاد مقاومتی مبتنی بر

اندیشۀ اقتصادی رهبر معظم انقلاب. تهران، بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام، سدید.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۲۹). غرر الحکم و درر الکلم. قم، دارالکتاب الاسلامی.

جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جعفری، محمدتقی (۱۴۰۱). فلسفۀ تاریخ و تمدن. قم، ارمغان طوبی.

- جمعی از محققین (۱۳۹۲). جهاد اقتصادی: چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی در بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه. تهران، انقلاب اسلامی.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۹۸). تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها. تهران.
- حیدری تفرشی (۱۳۹۱). جهاد اقتصادی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی. تهران، شهید کاظمی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). انسان ۲۵۰ ساله. تهران، مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). نخبگان و تمدن‌سازی اسلامی، قم، تراث.
- سیمپاری، محمدرضا (۱۳۹۹). مدیریت مالی شخصی (سبک تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری). تهران، دانشگاه جامع امام حسین رحمته‌الله‌علیه.
- شیروانی، علی (۱۳۷۵). ترجمه و شرح بدایه‌الحکمه. قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا.
- عابدینی، ناصر (۱۳۹۸). افق نویدبخش (اقتصاد مقاومتی، سیاست‌ها و انتظارات در بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۹/۶/۱۶ تا ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)). تهران، سروش.
- عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۷). اقتصاد مقاومتی (درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل)، تهران، سدید.
- عیوضی، غلامحسین (۱۳۹۰). جهاد اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه. تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- فردوست، حسین (۱۳۷۱). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. تهران، اطلاعات.
- کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۵ق). اصول کافی. بیروت، دارالأضواء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت، دارالأضواء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). آموزش فلسفه. تهران، بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). حرکت و زمان در فلسفه اسلامی. تهران، صدرا.
- مهدی شهابی (۱۴۰۰). شرح نه‌ایه‌الحکمه. قم، مؤلف.
- نراقی، ملامهدی (۱۳۹۰). جامع السعادات. (کریم فیضی، مترجم). قم، قائم آل محمد.